یادداشت

ترامپ نامزد، ترامپ رئیس‌جمهور

نصرت‌الله تاجیک
دیپلمات پیشین ایران در لندن

● آمریکا ملتهب‌ترین و پُرگسل‌ترین روزهای تاریخ سیاسی خود را پشت سر می‌گذارد و همان‌گونه که آبراهام لینکلن، یکی از رؤسای‌جمهور این کشور، گفته است، خانه‌ای که از درون شکاف می‌خورد و علیه خود می‌خروشد، دوام نخواهد آورد و ترامپ اگر هوشمند باشد که هست، باید این نقیصه را به‌خوبی درک کرده باشد. اگرچه سابقه اجرائی هیلاری کلینتون او را به فردی شناخته‌شده تبدیل کرده بود، اما میان هیلاری نامزد ریاست‌جمهوری و کلینتون رئیس‌جمهوری، تفاوت محسوسی پیش‌بینی نمی‌شد و همین امر، امکان تنظیم روابط با او را از همین دوران نامزدی فراهم می‌آورد؛ اما ترامپ این‌گونه نیست و نامزدی و ریاست جمهوری وی تفاوت دارد. او تحصیلات، تجربه سیاست خارجی و درک دقیقی از روابط بین‌المللی ندارد و درنهایت به این مقولات از زاویه دید تجاری می‌نگرد که شاید خیلی هم بد نباشد. با همه دل‌نگرانی‌هایی هم که در زمینه پیش‌بینی‌ناپذیربودن وی می‌شد؛ اما هم‌اکنون وی همان‌گونه که خود می‌گوید، رئیس‌جمهور آمریکاست و دوران مبارزات نفس‌گیر داخلی تمام شده است و این اجازه به تحلیلگران سیاسی داده می‌شود که به او از دو زاویه بنگرند؛ زاویه اول: «ترامپ به عنوان کاندیدا» و زاویه دوم: «ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور». زاویه اول برای رأی‌آوردن است؛ نگاه اقتضائی او به سیاست و قدرت بوروکراتیک سیاست خارجی، یقینا در اندکی زمانی او را به فردی واقع‌بین تبدیل می‌کند. رویکرد سیاست خارجی ترامپ کاندیدا کاملا مبهم و نوعی «پوپولیسم واقع‌گرا» بود که توانست دست روی درد مردم بگذارد و رأی بگیرد. این پدیده دور از ذهن در ایران خودمان در سال ۱۳۸۴ و در رفراندوم خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ نیز اتفاق افتاده بود و جالب آنکه سیاست‌مداران کهنه‌کاری سر خود را بر سر راه این مبارزه گذاشتند که حداقل درباره ایرانش باید متأسف بود که چرا این‌گونه شد؟ ولی تأسف کافی نیست و باید این وقایع کالبدشکافی شود که چرا جوامع روزبه‌روز به سمت پیش‌بینی‌ناپذیرشدن پیش می‌روند و این روند چه مخاطراتی در پی دارد؟

بگذریم و به سیاست خارجی بپردازیم و اینکه ترامپ با دنیا چه خواهد کرد یا با دنیا چه نخواهد کرد؟ نباید خیلی نگران شد.

ادامه در صفحه ۱۹

نگاه

صورت‌زخمی

سیدعلی طباطبایی
استاد دانشگاه

● ۱- چهارسال پیش در چنین روزی، پس از پیروزی «باراک اوباما» بر «میت رامنی»، زمانی که می‌خواستم مطلبی برای رسانه‌های کشور بنویسم، روان‌نویس سیاهم، روان‌تر بر کاغذ سپید حرکت می‌کرد. آن روز مطلبی نگاشتم برای پیروزی اوباما؛ مطلبی با عنوان «کودکی که تنها یک‌بار پدرش را دید، دوبار رئیس‌جمهور آمریکا شد».

AChild whomet his father once became US president twice.

۲- در انگلیسی ضرب‌المثلی وجود دارد که می‌گوید «As obstinate as amule»؛ «به سرسختی یک قاطر». می‌توان مهم‌ترین ویژگی دونالد ترامپ در زندگی شخصی‌اش را سرسختی‌اش دانست که شاید به تبار آلمانی پدرش بازگردد و شاید مهم‌ترین ویژگی اجتماعی ترامپ را بتوان موفقیت‌های اقتصادی‌اش دانست که باز هم شاید به تبار اسکاتلندی- انگلیسی مادرش بازگردد. ترکیب سخت‌کوشی آلمانی‌تبار پدری ترامپ با ذهن اقتصادی اسکاتلندی- انگلیسی‌تبار مادری ترامپ با گستاخی آمریکایی خود ترامپ، معجونی ساخت که او را تبدیل به رئیس‌جمهور آمریکا کرد.

۳- «در این کشور اول سعی کن تا پول به دست بیاوری بعد که پول گیر آوردی، سعی می‌کنی قدرت به دست بیاوری و بعد که قدرتمند شدی، سعی می‌کنی زنان را به دست آوری». جملات بالا، جملات تونی (با بازی آل پاچینو) در فیلم صورت‌زخمی (Scarface) است که در دهه ۸۰ میلادی با کارگردانی «برایان دی‌پالما» براساس فیلم‌نامه‌ای از «الیور استون و هاوارد هاکس» ساخته شد. در این فیلم «تونی مونتانا» با بازی «آل پاچینو» که یک پناهنده کوبایی است به آمریکا می‌آید و تبدیل به گنگستر اول میامی می‌شود و این جملات چقدر به گفتار ترامپ شبیه است. و اگر جملات «صورت‌زخمی» را با گفتار و رفتار دونالد ترامپ و رفتار خشن و افکار تهاجمی شخصیت اول مقایسه کنیم، نتیجه‌اش «ایده صورت‌زخمی» است؛ ترامپی که سرسختی، اراده، گستاخی، لجبازی و البته کم‌دانشی را تبدیل به معجونی کرد تا رئیس‌جمهور «چهل‌وپنجم» آمریکا شود.

ادامه در صفحه ۸

بازتاب

دفاتر اسناد به وظیفه قانونی خود عمل می‌کنند

کانون سردفتران و دفتریاران در پی انتشار گزارشی در تاریخ ۹۵/۸/۱۱ در صفحه چهار روزنامه «شرق»، با عنوان «دفاتر اسناد رسمی به کمک فراریان مالیاتی آمدند/ فرار مالیاتی با شگرد «حساب اجاره‌ای»، به این گزارش واکنش نشان داده و نوشته است: (در این گزارش) عضو محترم هیأت‌مدیره اتحادیه صنف صادرکنندگان نفت، گاز و پتروشیمی مدعی شد که متخلفان در دفاتر اسناد رسمی وکالت می‌گیرند و حساب اجاره باز می‌کنند و همچنین با تیتر «دفاتر ثبت اسناد به دولت حساب پس نمی‌دهند» ادعا شده که دولت، اشرافی به دفاتر ثبت اسناد ندارد، زیرا این دفاتر زیرمجموعه قوه قضائیه هستند و نمی‌توانند درگاه اطلاعاتی خود را در اختیار قوه مجریه قرار دهند و نیز در قسمت دیگری از اظهارات خود، دفاتر اسناد رسمی را به‌منزله دماسنج اقتصاد تلقی کرده که دولت آثار تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های خود در زمینه‌هایی که امکان تخلف وجود دارد مانند پول‌شویی را می‌توانند توسط دفاتر اسناد رسمی ببینند.

این جوابیه عینا در پی می‌آید:

۱- تیترهای انتخاب‌شده مانند: «دفاتر اسناد رسمی به کمک فراریان مالیاتی آمدند» یا «دفاتر ثبت اسناد به دولت حساب پس نمی‌دهند» در اظهارات و مطالب عضو محترم هیأت‌مدیره اتحادیه صنف صادرکنندگان نفت، گاز و پتروشیمی وجود ندارد و توسط خبرگزاری ابداع و الحاق شده لذا این اتهام به دفاتر اسناد رسمی قابل پیگیری است.

۲- وفق فصل ۱۳ قانون مدنی که در باب وکالت تدوین شده هرکسی می‌تواند نسبت به اموال و املاک و یا اموری که خود می‌تواند آن را انجام دهد به شخص دیگری وکالت دهد لذا ایراد اتهام به دفاتر اسناد رسمی که به کمک فراریان از پرداخت مالیات آمده‌اند فاقد وجاهت قانون می‌باشد کمااینکه اشخاص جهت فروش املاک و اموال خود به دیگری وکالت اعطا می‌کنند که به زعم نگارنده، و آن خبرگزاری، همه از مصادیق فرار مالیاتی خواهد بود لکن دفاتر اسناد رسمی به وظیفه قانونی خود عمل می‌کنند.

۳- وفق ماده (۱) قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴، وظیفه اسناد رسمی تنظیم و ثبت سند رسمی در چارچوب مقررات است و وفق ماده ۳۰ همان قانون: «سردفتران و دفتریاران موظف‌اند نسبت به تنظیم و ثبت اسناد مراجعین اقدام نمایند مگر آنکه مفاد و مدلول سند، مخالف با قوانین و مقررات موضوعه و نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد که در این صورت باید علت امتناع را کتبا به تقاضاکننده اعلام نمایند».

ادامه در صفحه ۱۷

نظربلند در گفت‌وگو با «شرق» از سکته سپهر سیاسی و اقتصادی جهان پس از پیروزی ترامپ خبر داد

بازگشت «آچاربه‌دستان» به اقتصاد

شکوفه حبیب‌زاده: جهان، یکباره در خاموشی و بهت فرو رفت. کسی انتظار نداشت تاسی که به نظر می‌رسید به نام کلینتون از جعبه انتخابات آمریکا خارج شود، با نام ترامپ جایگزین شود. همین پیش‌بینی‌پذیرنبودن، در نهایت منجر به این شد که بازارها یکباره فرو بریزند و سرمایه‌ها به کانون امن طلا بازگردند؛ اما این ترامپ کیست که جهان آن را برای آینده آمریکا و حتی جهان، نادیده گرفته بود و هیچ گزاره‌ای برای مقابله با آن در نظر نگرفته بود؟ چندی پیش «شرق» در میزگردی به این موضوع پرداخت و در آن تأکید شد که «ترامپ» به سبب اینکه نگاهی اقتصادی دارد، قدرت چانه‌زنی بیشتری با ایران دارد. غلامرضا نظربلند، اقتصاددان این‌بار هم در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید روی‌کارآمدن ترامپ نوعی بازگشت «آچاربه‌دستان» به اقتصاد خواهد بود، چراکه او نماینده اقتصاد سرمایه‌داری صنعتی است که پیش از نظام سرمایه‌داری مالی جولان می‌داد. در مقابل، کلینتون هم نماینده «کیبوردبه‌دستان» یا همان طرفداران بازارهای مالی و نرم‌افزاری است. دنیا بر این باور بود که جهان به عقب برنمی‌گردد، اما نتیجه این انتخابات، واقعه‌ای بود که احتمال می‌رود با پذیرش ترامپ از سوی جهان، حتی برای اقتصاد جهانی، خوش‌یمن هم باشد. نظربلند به پرسش‌های «شرق» دراین‌رابطه پاسخ می‌دهد.

عکس: امیرمجیدی، شرق

↙ با توجه به اینکه ترامپ را شخصیتی اقتصادی می‌شناسید که در حوزه اقتصاد امانتدار است، به نظرتان با روی‌کارآمدن او، اقتصاد جهان تا چه اندازه تحت‌تأثیر قرار خواهد گرفت؟

کلا ترامپ و کلینتون را از هر نظر کاملا متفاوت می‌دانم. کلینتون به پاکدستی معروف نبوده، اما به طور نسبی آقای ترامپ به این امر معروف است. ترامپ اگر مفسده یا مسائل اخلاقی دارد، بیشتر شخصی بوده و هست، درصورتی‌که چهره کلینتون از دهه ۸۰ میلادی با یک‌سری پرونده‌ها گره خورده بود که روی زمین‌خواری می‌چرخید و گفته می‌شود ثروت‌هایی که این خانواده کسب کرده‌اند عمدتا از آن محل بوده است. در هر صورت او به پاکدستی شهره نیست. اگر بخواهیم طرفداران ترامپ و کلینتون را در حوزه اقتصادی تقسیم‌بندی کنیم و ببینیم هرکدام از این دو، چه طیفی را نمایندگی می‌کنند، باید گفت کلینتون طیف «کیبوردبه‌دست‌ها» را نمایندگی می‌کند که همان آی‌تی‌من‌ها (مردان اطلاعات فناوری) هستند. شرکت‌هایی مانند اپل، مایکروسافت و گوگل و... که اکنون بزرگ‌ترین شرکت‌های دنیا هستند. درصورتی‌که ترامپ اوایل قرن بیستم شرکت‌هایی مانند راکفلر و فورد را نمایندگی می‌کرد که آچاربه‌دست و خودروساز بودند و فناوری اطلاعاتی آنها را بیچاره کرده بود. تکنولوژی جدید نرم‌افزاری جای سخت‌افزارها را گرفته و آنها را از رده خارج کرده بود. متأسفانه یک‌سری از تحلیلگرهای ما هم بر این اساس که دوره نرم‌افزار، غالب و محیط بر دوره سخت‌افزار شده، یعنی «کیبوردبه‌دست‌ها» جای «آچاربه‌دست‌ها» را گرفته‌اند. تحلیل‌ها تاکنون بر این بود که جریان معکوس نخواهد شد و این روند، پیش‌رونده است و طبعا کسی که کیبوردبه‌دست‌ها را نمایندگی می‌کند، فاتح میدان ریاست‌جمهوری آمریکا خواهد بود، اما دیدیم که عکس این اتفاق رخ داد. این تحلیل از ابتدا غلط بوده یا درست؟ اگر غلط بوده که باید فکر دیگری کرد چون متأسفانه عمده اهل نظر و تحلیلگران، نظرشان این بود و حتی ازسوی اینها آقای ترامپ به سخره گرفته می‌شد یا حداقل اصلا جدی گرفته نمی‌شد، اما امروز واقعیت چیز دیگری است. ترامپ فارغ از این تحلیل که آچاربه‌دست‌ها را نمایندگی می‌کند و مربوط به قبل از دوران فناوری و رایانه است و فارغ از مسائل خصوصی و شخصی‌ای که دارد، از نظر اقتصادی، فردی موفق بوده و مهم‌تر از آن، همان‌طور که در میزگرد شماره ۲۹ تیرماه روزنامه «شرق» مطرح کردم، او در راستای امانتداری شهره است. تجارتش عمدتا بر محور برج‌سازی و ساختمان‌سازی است و تا به امروز کسی از او شاکی نشده که به تعهداتش عمل نکرده باشد. ترامپ زمانی برج را پیش‌فروش کرده که هنوز روی خاک بوده و وقتی واحدهای برج را تحویل داده، به تمام تعهداتی که روی کاغذ نوشته شده بود گردن گذاشته و هیچ مورد جزئی‌ای هم دیده نشده که به تعهداتش عمل نکرده باشد. گفته بودم ترامپ مرد تجارت و اقتصاد است و با کسانی که اهل تجارت هستند راحت‌تر می‌توان مراوده داشت چون اهل بده‌بستان هستند و پیش‌شرط کارشان این است که امنیت‌خاطری در روابط بین طرفین برقرار باشد. به نظرم ترامپ به خاطر این موقعیت و سلامت مالی‌اش در عالم کار و سیاست که عالم سیاست هم به‌نوعی عالم دادوستد است، می‌تواند موفق‌تر عمل کند ولو اینکه کم‌تجربه بوده و سابقه پست مهمی مانند سناتور و فرماندار را نداشته باشد. نکته دیگر اینکه فارغ از بحث تجارت و اقتصاد، فکر می‌کنم ترامپ مظهر روی‌گردانی از واقع‌گرایی جاری است که اکنون کلیدش در دست سیاست‌مداران غیرمتعارف متعارف‌شده است. درواقع ترامپ از جنس سیاست‌بازان کنونی نیست و اگر همان‌گونه که در سخنرانی‌های انتخاباتی‌اش گفته عمل کند، سپهر سیاسی دغل‌بازانه را با چالشی جدی مواجه می‌کند. ترامپ مظهر و نماد یک سیاست است که اولاند و مرکل و سیاست‌مدارهای سنتی آمریکا آن را برنمی‌تابند. در دنیای سیاست‌مداران موجود، شکاف بین توده مردم و سیاست‌مداران دغل‌کار موجود است و ترامپ در وسط آن قرار می‌گیرد.

↙ درحال‌حاضر نگاه تمام بازارهای جهان به روی‌کارآمدن ترامپ منفی بود. به نظرتان تنش‌هایی که به‌موجب روی‌کارآمدن او در بازارهای مالی ایجاد شده پایدار خواهد بود؟

گفته می‌شود سرمایه ذاتا ترسوست و سرمایه‌گذار از او هم ترسوتر. تعریف ریسک نبود اطمینان است. کلینتون امتحان خودش را پس داده بود، از این جهت که رویکرد و مواضع سیاسی‌اش شناخته شده و چهار سال رئیس دیپلماسی آمریکا و هشت سال بانوی اول آمریکا بوده، سال‌های زیادی هم سناتور بوده، بنابراین سابقه و مواضع او کاملا روشن است، اما ترامپ هیچ‌کدام از این موقعیت‌ها را نداشته. بنابراین در کشوری که می‌گویند حزب، کارخانه شفاف‌سازی است، آنجا معلوم می‌شود که چه کسی، چه موضعی در رابطه با مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد، درباره ترامپ صدق نمی‌کند. بنابراین درباره او، آشنایی و شفافیت وجود ندارد که درباره کلینتون چنین نیست. مقداری از عکس‌العمل یا واکنشی که دارد، بازارها نشان داده‌اند به این خاطر است. یک ضرب‌المثل انگلیسی می‌گوید «عفریتی که مشخص و روشن است بهتر از عفریت ناشناخته است». نمی‌خواهم بگویم اینها عفریت هستند، اما یکی از آنها شناخته شده و دیگری ناشناس است. بخشی از این اتفاقات به‌خاطر گمانه‌زنی‌های اشتباه بوده؛ یعنی گمانه‌زنی‌ها به این سمت بوده که کلینتون رئیس‌جمهور خواهد شد. در مناظره سه هفته قبل، خیلی از مفسران گفتند اگر اتفاق خاصی رخ ندهد، قطعا چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور آمریکا هیلاری کلینتون خواهد بود. دلیل سوم، فضاسازی علیه ترامپ است. بورس که باید کار میزان‌الحراره را هم انجام دهد، متأسفانه از کار افتاد، در صورتی که می‌توانست کمک کند. دلیل چهارم هم تضاد منافع است؛ تضاد منافع «آچاربه‌دست‌ها» و «کیبوردبه‌دست‌ها». نمی‌شود گفت این شرایط چقدر طول می‌کشد چون دلایلی که وجود دارد ساختاری و ریشه‌ای است و دلیل تضاد منافع دلیلی نیست که بشود به‌سادگی از آن عبور کرد. اگر اینها به عقلانیت نرسند و بخواهند به این تضاد ادامه دهند که دنیا دنیای کیبوردبه‌دست‌هاست و زمان آچاربه‌دست‌ها گذشته است، این رشته سر دراز دارد.

↙ اگر این اتفاق بیفتد، به بازارهای واقعی هم کشیده می‌شود؟

بله اگر طولانی شود، به بازارهای واقعی هم کشیده می‌شود. چون بازارهای مالی، بازارهای کالای حقیقی هستند و دارایی‌های حقیقی بعد از مدتی به‌دنبال آنچه در بازارهای مالی رخ می‌دهد واکنش نشان خواهند داد. اگر این روند تداوم داشته باشد، به بازارهای کالاهای واقعی هم سرایت می‌کند و اگر در مدت چهار، پنج روز آینده تا یک هفته آینده این التهاب فروکش کند و از بین برود، به بازارهای کالای حقیقی سرایت نخواهد کرد.

↙ اکنون مهم‌ترین مشکل ما با کشورهای دیگر در روابط بانکی است که پس از برجام هنوز مهیا نشده است. همه بانک‌های بزرگ جهان منتظر انتخابات آمریکا بودند و نگران روی‌کارآمدن ترامپ؛ این موضوع در روابط بانکی ایران با جهان چه تأثیری دارد؟

سیاست‌مداران جهان به انتخاب ترامپ بدبین هستند و علت بدبینی‌شان را این می‌دانم که آچمز شده‌اند، زیرا با سیاست‌های نامتعارف متعارف‌شده آنها در تضاد است و به نظرم دستشان رو خواهد شد؛ سیاست‌بازانی که جهان را به هم ریخته‌اند. کسی خواهد آمد که گویش دیگری دارد که به گوش‌شان آشنا نیست و از آن مهم‌تر حتی گوش‌خراش هم هست. به نظرم اروپاییان در درجه اول باید خودشان را جمع کنند، زیرا دچار شوک شده‌اند. آنها امیدوار بودند ترامپ به کاخ سفید نیاید؛ اما واقعیت چیز دیگری شد و چند هفته بعد آقای ترامپ به کاخ سفید وارد خواهد شد. به نظرم درحال‌حاضر بین مسئولان کشورهای اروپایی و مقامات و صاحب‌منصبان سردرگمی ایجاد شده و آنها را گیج کرده و می‌خواهند ببینند چطور واقعیت را بپذیرند، چگونه خودشان را تطبیق دهند و چطور خودشان را با این شرایط تنظیم کنند. اکنون همه گنگ هستند. اشتباه اینها این بوده که برای روی‌کارآمدن ترامپ برنامه‌ای تنظیم نکرده‌اند که اگر این اتفاق رخ داد، شوکه نشوند و بتوانند خودشان را تطبیق و تنظیم کنند. به قول انگلیسی‌ها متأسفانه سکته‌ای در سطح جهانی رخ خواهد داد. اکنون اروپا شوکه است و به طریق اولی روابطش با ما هم مشخص نیست. در واقع سکته‌ای در سپهر عالم سیاست رخ خواهد داد که شامل اقتصاد، اجتماع، امنیت و... است.

↙ پس نمی‌توان شرایط بعد از سکته را پیش‌بینی کرد؟

متأسفانه این سکته به‌دلیل جاه‌طلبی و خودخواهی سیاست‌مداران جهانی به دنیا تحمیل می‌شود و امیدوار هستیم این سکته زودتر عبور کند و ترمیم شود. اگر این شرایط طولانی شد، این سکته وارد عالم دارایی‌های واقعی و کالاهای حقیقی می‌شود و ممکن است حتی بحران‌هایی را ایجاد کند. امیدوارم سیاست‌مداران جهانی واقعیت‌ها را بپذیرند، حتی اگر این واقعیت تلخ باشد و به آن علاقه‌مند نباشند، وگرنه به‌مراتب وضعیت بدتر از تحلیل‌ها خواهد شد.

↙ بنابراین هر نوع روابط اقتصادی ما با جهان تا مدتی در سکوت خواهد ماند؟

به تأسی و تبعیت از روابط فرامرزی، روابط ما و اروپا و آمریکا، به‌دلیل سکته‌ای که در عالم سیاست با این انتخابات پیش آمده، برای مدتی در خاموشی خواهد بود؛ مانند زمانی که برق‌ها خاموش شوند. اینکه بعد از خاموشی چه روشنایی‌ای باشد و آیا همه را به وضعیت قبلی برمی‌گرداند یا حتی روشن‌تر شود، مشخص نیست؛ اما در ابتدای امر، جهان در خاموشی موقتی خواهد بود؛ مشخص نیست این زمان چقدر طول می‌کشد.

↙ فارغ از روابطی که با دیگر کشورها در حوزه اقتصادی داریم، واکنش‌های بازارهای داخل ایران چطور خواهد بود؟

وقتی دنیا با چنین امر نوپدیدی روبه‌رو شده است، ما هم متأثر از این اتفاق هستیم. ما در معرض چنین امر نوپدیدی قرار گرفته‌ایم؛ بنابراین اقتصاد و سیاست ما هم متأثر از این اتفاقات خواهد بود؛ اما اینکه چطور وضعیت عادی خواهد شد و رفت و آمد هیأت‌های بازرگانی و اقتصادی که از اروپای غربی بودند چه خواهد شد، نیازمند زمانی است تا این خاموشی رفع شود؛ اما در کل به نظر من شرایط پس از این خاموشی بالقوه مثبت است و می‌تواند نتایج خوبی داشته باشد.

↙ به نظرتان انتخاب ترامپ، در برجام چه تأثیری خواهد داشت؟

برجام هم بخشی از این مجموعه است؛ اکنون با کلیت قضیه مواجهیم که برجام هم ذیل آن است و قطعا به‌صورت موقت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. دوره خاموشی شامل برجام هم خواهد بود؛ اما این امکان وجود دارد که برجام بازتعریف جدیدی شود؛ برجام می‌تواند تابع نقاط مختصات جدید سپهر عالم سیاست باشد.

↙ بازتعریف برجام به نفع ماست یا به ضرر ما؟

می‌تواند به نفع ما باشد؛ سیاست‌های امپریالیستی یک‌شبه از بین نخواهند رفت؛ اما به‌عنوان شاگرد اقتصاد، این نکته مهم را می‌بینم که احتمال اینکه دنیای نظام کاپیتالیستی موجود که نظام سرمایه‌داری مالی است به دوره قبل (نظام سرمایه‌داری قبلی) برگردد، وجود دارد. اگر به دوره نظام سرمایه‌داری صنعتی برگردیم، جهان بهتری خواهیم داشت.

ایست معاملات دلار در بازار دیروز

دلار چند؟ نمی‌فروشیم

شرق: شوک ترامپ حسابی به مذاق طلا خوش آمد و قیمت طلا در اواسط شمارش آرا و با مشخص‌شدن پیشتازی ترامپ از کلینتون، یکباره اوج گرفت؛ قیمت جهانی طلا با افزایش سه‌درصدی روبه‌رو و بار دیگر وارد کانال هزار ۳۰۰دلاری شد؛ البته قیمت هر اونس طلا در بازارهای جهانی تا پایان معاملات دیروز خود را اصلاح کرد و تا لحظه نگارش این گزارش به محدوده هزارو ۲۹۲دلاری بازگشت. این‌همه در حالی است که شاخص دلار در بازارهای جهانی با افت مواجه شد و نرخ برابری ارزهای مقابل آن مانند یورو و پوند با افزایش روبه‌رو شدند؛ البته بازار ایران به این مسئله طور دیگری واکنش نشان داد. درحالی‌که انتظار می‌رفت نرخ دلار نیز در بازار داخلی به تبعیت از بازار جهانی با کاهش روبه‌رو شود، قیمت آن افزایش یافت. آن‌گونه که از بازار خبر می‌رسد، صرافان با افزایش نرخ دلار در بازار و پیش‌بینی‌ناپذیربودن وضعیت از فروش این ارز خودداری کرده‌اند. همین اقدام آنها موجب شد قیمت این ارز، رشد بیشتری را تجربه کند و تا سه‌هزارو ۶۷۰ تومان نیز افزایش یابد. این در حالی است که پیش‌بینی صرافی‌ها و دلارفروشان در بازار بر این است که احتمالا قیمت‌ها تا سه‌هزارو ۷۰۰ تومان نیز پیش خواهد رفت. صرافان عنوان می‌کنند که حتی اگر بخواهیم دلار بفروشیم، فعلا جنسی در اختیار نداریم؛ چراکه به دلیل افزایش تقاضایی که در روز گذشته از سوی مردم وجود داشت، تقریبا موجودی در دسترس به صفر رسیده است. از سوی دیگر بازار طلای تهران دیروز سکه بود. انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا را هیچ‌یک از بازارهای جهانی انتظار نمی‌کشیدند؛ هرچند بازارهای مالی، برای احتمال روی‌کارآمدن ترامپ، اعلام آماده‌باش کرده بود؛ بااین‌حال هنوز هم این انتظار از سوی بازارها وجود نداشت و همین امر موجب شد تا همه بازارهای جهانی با شنیدن خبر انتخاب ترامپ، در شوک عمیق فرو روند و تا چند ساعت، اوضاع غیرعادی را تجربه کنند. دراین‌میان بازار سکه و طلای ایران با شوکی مثبت همراه بود. نرخ سکه بهار آزادی دیروز در بازار تهران حتی افزایش ۳۰هزارتومانی را تجربه کرد؛ هرچند اصلاح آن تا آخرین ساعات نشان از افت حدود ۱۵هزارتومانی آن داشت.

ارز	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۶۵۸	+۱۹
یورو	۴۰۵۵	+۲۲
پوند	۴۰۶۰	+۲۰
درهم	۱۰۰۲	+۵

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح قدیم	۱,۱۲۵,۰۰۰	+۱۵۰۰۰
طرح جدید	۱,۱۳۳,۰۰۰	+۱۵۰۰۰
نیم	۵۷۱,۰۰۰	+۹۰۰۰
ربع	۳۰۰,۰۰۰	+۴۰۰۰
گرمی	۱۹۰,۰۰۰	+۴۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۱۴,۴۰۰	+۱۳۰۰
اونس (دلار)	۱۲۹۲.۶	۱۴.۷

بورس

بازارهای مالی جهان، زیر سایه انتخابات آمریکا آچمز شدند

حمام خون در بورس

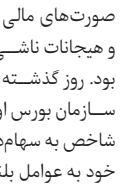

ابراهیم دیلم
تحلیلگر بازارهای مالی

● شاخص بورس اوراق بهادار تهران روز گذشته مانند سایر کشورهای دنیا زیر سایه سیاه انتخابات آمریکا بود و در نتیجه با افت سنگین یک‌هزارو ۴۸۹واحدی (معادل ۱.۸درصد) مواجه شد و به کانال ۷۸هزارواحدی عقب‌نشینی کرد و در نهایت به رقم ۷۸هزارو ۴۱۱ واحد رسید. بورس سایر کشورها نظیر بورس ژاپن (شاخص نیکی) بیش از پنج درصد کاهش یافت و به عنوان منفی‌ترین بازار سرمایه در بین همه کشورهای دیگر جهان شناخته شد؛ اگرچه بیشترین واکنش منفی در بین بازارهای جهان متعلق به کشور ژاپن بود، اما بازار مالی سایر کشورها ازجمله چین، آلمان، فرانسه و انگلستان و... وضعیت بهتری را تجربه نکردند؛ اما شدت ریزش شاخص آنها اندکی کمتر بود. تمام بازارهای مالی و اقتصادی دنیا پس از احتمال پیروزی نامزد جمهوری‌خواه آمریکا یعنی دونالد ترامپ به‌سرعت منفی شد، اما بازار طلا و نرخ برابری سایر ارزها در برابر دلار مثبت شد به‌طوری‌که ارزش هر اونس طلا تا ۵۰ دلار نیز رشد کرد. پس از قطعی‌شدن پیروزی دونالد ترامپ هیجانات ناشی از انتخابات کمی فروکش کرد و حتی بازارهای کالاهای پایه (فلزات، سنگ‌آهن) مثبت شدند. بازار نفت نیز روز گذشته نوسانات زیادی را تجربه و در مواقعی نیز به سمت مثبت‌شدن حرکت کرد؛ بنابراین آنچه در بازارهای مالی دنیا مشاهده می‌شد هیجانات بسیار زیاد معامله‌گران در بازارهای مختلف بود که این موضوع ناشی از پیش‌بینی‌پذیرنبودن رفتار نامزد جمهوری‌خواهان است و این مسئله بارها به شکل‌های مختلف در صحبت‌های تبلیغات انتخاباتی دونالد ترامپ خود را نشان داده است. روز گذشته بازار بورس اوراق بهادار تهران در شروع معاملات با صف‌های فروش سنگین سهام مواجه شد و در دقایق اولیه شروع، بازار به‌شدت منفی بود، اما در زمان معاملات اندک‌اندک فضای ترس ناشی از انتخابات آمریکا کم‌رنگ‌تر شد و قیمت سهام برخی از شرکت‌ها تا دامنه‌های مثبت نیز معامله شد. در آخرین روز کاری هفته بازار بورس با دادوستد تعداد یک‌میلیاردو ۲۰۱ میلیون سهم و حق تقدم به ارزش ۲۹۱ میلیارد تومان در ۸۵هزارو ۶۸۴ نوبت و بازار فرابورس با دادوستد تعداد ۲۳۵میلیون‌و ۲۷۶ هزار سهم و حق تقدم به ارزش تقریبی ۳۷۸ میلیارد تومان در ۲۳هزارو ۵۸۴ نوبت کار خود را به پایان رساندند و از این لحاظ روز به‌نسبت پرحجمی را رقم زدند. در پایان معاملات قیمت اکثر شرکت‌ها کاهش یافته و شرکت فولاد مبارکه اصفهان با ثبت ۸۹ واحد کاهش، بیشترین تأثیر منفی و شرکت حفاری شمال با ثبت هفت واحد افزایش بیشترین تأثیر مثبت را روی شاخص از خود به‌جای گذاشتند. نکته درخور توجه در معاملات روز چهارشنبه برچیده‌شدن صف‌های فروش سهام شرکت‌ها بود و از این منظر هیجانات در همان روز اول کاملا تخلیه شد؛ بنابراین در روزهای آینده سهام شرکت‌ها براساس اطلاعات و صورت‌های مالی منتشرشده قیمت‌گذاری می‌شوند و هیجانات ناشی از انتخابات بسیار ناچیز خواهد بود. روز گذشته شاپور محمدی، رئیس محترم سازمان بورس اوراق بهادار، در واکنش به افت زیاد شاخص به سهام‌داران توصیه کرد که در تحلیل‌های خود به عوامل بلندمدت نگاه بیشتری داشته باشند. ازطرفی‌دیگر مقامات سیاسی کشور واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند که مهم‌ترین آنها از سوی رئیس‌جمهور کشورمان بود. به گفته رئیس‌جمهور، هوشمندی ایران در توافق هسته‌ای این بود که برجام را نه به عنوان توافق با یک کشور یا یک دولت بلکه به عنوان یک قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل تثبیت کرد که با تصمیم یک دولت قابل تغییر نیست.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۸۴۱۱,۶	-۱۴۵۹,۸۱
شاخص قیمت	۲۷۶۷۲,۵	-۵۳۰,۲۱
شاخص کل (هم‌وزن)	۱۵۵۸۵,۹	-۳۳۸,۲۹
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۱۲۴۳۳,۹	-۲۷۴,۱۰
آزاد شناور	۸۷۳۹۷,۴	-۱۸۱۱,۶۶
۵۰ شرکت بزرگ	۳۰۹۰,۱	-۵۵,۶۰

خبر

سالانه ۱/۱ میلیارد دلار قطعه قاچاق وارد می‌شود

● **ایسنا:** دبیر انجمن صنایع همگن قطعه‌سازی گفت: سالانه حدود یک‌میلیاردو ۱۰۰ میلیون دلار قطعات خودرویی به صورت قاچاق وارد ایران می‌شود. آرش محبی‌نژاد اظهار کرد: سالانه حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان قطعات خودرویی در ایران تولید می‌شود که حدود چهار هزار میلیارد تومان آن مربوط به هزینه‌های مالی و سود تسهیلات سیستم بانکی است، بنابراین ارزش خالص قطعات خودرویی تولیدی در کشور ۱۶ هزار میلیارد تومان است.